

یادداشت

چالش‌های عدم ورود اصلاح‌طلبان

به انتخابات

تیسیم نمازی

روزنامه‌نگار



اصلاح‌طلبان در صورت رسیدن به این نتیجه که باید در انتخابات شرکت کنند هم نمی‌توانند مانند گذشته با موضوع انتخابات روبه‌رو شوند. آنان لازم دارند تا برنامه‌های جدی و طرح‌هایی نو داشته باشند تا بتوانند بار دیگر عقبه مردمی خود را بسنج کرده که با وجود چهره‌های توانمند فراوان در میانشان این امر دشوار نیست. با نزدیک شدن به زمان انتخابات اسفند ماه، آنچه بیش از همه محل بحث است واکنش اصلاح‌طلبان به این واقع سیاسی است. اینکه میانه‌روها در تلاشند تا هر طور شده این گروه سیاسی را به حضور در انتخابات ترغیب کنند امری تقریباً محرز است. اما اصلاح‌طلبان با دو تحلیل عمده هنوز به جمع بندی نرسیده‌اند. در تحلیل اول آنان می‌خواهند عدم مشارکت خود را به مشارکت پایین مردم پیوند زده و به این طریق نتوانند حاکمیت را وادار کنند تا به نفع جمهوری، تغییراتی را در کشور اعمال کند. این تحلیل یک آسیب جدی دارد و آن این است که در نیامدن اصلاح‌طلبان و مشارکت پایین، این امر به یک رویه عادی تبدیل شده و باز دست رفتن زمان، اصلاح‌طلبان حتی با ایجاد تغییرات جدی در انتخابات بعدی، دیگر توان جمع کردن نیروهای خود را نداشته و پایگاه مردمی خود را هم به دنبال چنین انفعالی از دست بدهند. در تحلیل دوم، اصلاح‌طلبان نگرانند که آمدن آنها با اقبال از سوی مردم مواجه نشود. در اینجا هم این برنامه خود اصلاح‌طلبان است که می‌تواند نحوه مواجهه مردم با این گروه سیاسی را رقم زند. در واقع اگر اصلاح‌طلبان امروز نتوانند نقش رهبری فکری مردم را به عهده گرفته تا از یک بزنگاه عبور کنند، تصور اعمال چنین نقشی در آینده بسیار کم‌رنگ‌تر است. این گروه سیاسی لازم است ضمن یک محاسبه سیاسی در هزینه و فایده چنین عمل سیاسی دست به آن زند. آنان باید ببینند چنانچه نیامدنشان تا چه اندازه می‌تواند برای آینده کشور مفید بوده و آمدنشان تا چه اندازه می‌تواند راهگشا باشد. بدیهی است که نظریه یک‌دست سازی حاکمیت آنگونه که اصلاح‌طلبان انتظار داشتند و با همان تحلیل از شرکت در دو انتخابات قبلی امتناع کردند نشان داد که این نظر نتوانست اهداف مورد نظر آنان را تأمین کند و طبعاً ادامه آن هم نمی‌تواند متضمن تغییر در نتیجه باشد. آنچه بدیهی است آن است که هیچ نتیجه‌ای از آمار انتخاباتی، تندرورها را به این نتیجه، که مردم ناراضی هستند نتواند رساند. اصلاح‌طلبان در صورت رسیدن به این نتیجه که باید در انتخابات شرکت کنند هم نمی‌توانند مانند گذشته با موضوع انتخابات روبه‌رو شوند. آنان لازم دارند تا برنامه‌های جدی و طرح‌هایی نو داشته باشند تا بتوانند بار دیگر عقبه مردمی خود را بسنج کرده که با وجود چهره‌های توانمند فراوان در میانشان این امر دشوار نیست.

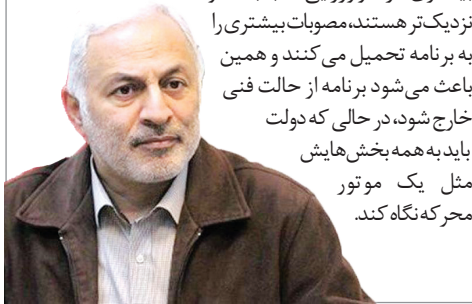
خبر

جلال محمودزاده:

برنامه توسعه هفتم واقع بینانه نیست

یک نماینده مجلس اظهار داشت: برنامه هفتم با حدود ۲ سال تأخیر به مجلس آمد. شایسته بود بودجه ۱۴۰۲ بر اساس برنامه هفتم توسعه تنظیم می‌شد ولی چون دولت تعلق کرد، بودجه بر اساس برنامه ششم تنظیم شد. به طور کلی برنامه هفتم توسعه کشور، واقع بینانه نیست و بیشتر روی کاغذ نوشته شده است. زیرساخت برای اجرای این برنامه وجود ندارد. در حوزه محیط زیست، کارگری و کشاورزی پیش‌پهادت خوبی در برنامه نیست و مشکلات وجود دارد. جلال محمودزاده گفت: تنها در حدود ۲۵ درصد از برنامه ششم توسعه اجرایی شده و دلایل این است که در برنامه‌های پنج‌ساله جدیدی که تنظیم می‌شود، رفع مشکلات برنامه‌های قبلی لحاظ نمی‌شود که اگر این رویکرد صورت بگیرد، درصدد بیشتری از برنامه‌ها که مصوبه مجلس است اجرایی می‌شود.

وی افزود: به نظر من برنامه توسعه هفتم از ضعیف‌ترین برنامه‌های توسعه دولت‌های بعد از انقلاب است که تا به حال به مجلس ارائه داده‌اند. اگر کمیسیون‌های مختلف مجلس این برنامه را چک‌وکاری و مشکلات را اصلاح نکنند، مطمئناً این برنامه از برنامه ششم توسعه هم برای اجرا بدتر خواهد بود و اگر برنامه ششم توسعه ۷۵ درصد اجرا نشده، این برنامه پیش‌رو بدتر خواهد بود. عضو مجمع نمایندگان استان آذربایجان غربی بیان کرد: مجلس می‌تواند لایح را تغییر دهد، ولی نه خیلی زیاد، چون ممکن است برای دولت حساسیت ایجاد شود و لایحه را پس بگیرد. سابقه دارد که در مجلس‌های قبل روی لایحه تغییرات زیادی اعمال شده و دولت لایحه را پس گرفته است. بودجه سالیانه بیشتر جنبه بودجه‌ای مالی دارد، ولی برنامه‌های توسعه‌ای کشور بیشتر جنبه قانون‌گذاری دارد. از این‌رو مجلس می‌تواند اصلاحاتی انجام دهد و شرایط برنامه را منطقی‌تر کند، ولی باز تأکید دارم بگویم نه خیلی زیاد. وی ادامه داد: جاداشت دولت خیلی قبل‌تر روی برنامه هفتم توسعه، کار کارشناسی می‌کرد و در زمان مناسب‌تر و با ایرادات به مراتب کمتر، آن را به مجلس ارائه می‌داد که ما هم با چالش کمتری روبه‌رو می‌شدیم. متأسفانه ایرادات برنامه هفتم توسعه در حوزه‌های مختلف بسیار زیاد است. به نظر من روی برنامه هفتم فقط یک متن نوشته‌اند و کار انجام شده و اجرای این برنامه در آینده برای دولت مشکلاتی ایجاد می‌کند. محمودزاده تصریح کرد: لایه‌گیری در برنامه زیاد است و دستگاه‌های اجرایی که قدرت بیشتری دارند و وزرایی که به بدنه دولت نزدیک‌تر هستند، مصوبات بیشتری را به برنامه تحمیل می‌کنند و همین باعث می‌شود برنامه از حالت فنی خارج شود، در حالی که دولت باید به هم‌بخش‌هایش مثل یک موتور محرکه نگاه کند.



محسن جلیلودن در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

شورش واکنز اتحاد روسیه

رادر جنگ اوکراین شکست

شورش واکنز

اقتدار پوتین را در روسیه مخدوش کرد

شورش واکنز روی جنگ اوکراین تأثیر خواهد گذاشت

شورش واکنز باعث شد کشورهای غربی روسیه را بیشتر تحت فشار قرار بدهند

آرمان ملی - احسان نصاری: مهم‌ترین پیامدهای شورش واکنز علیه پوتین چیست؟ چرا چنین شکاف عمیقی بین نظامیان روسیه در حین جنگ با اوکراین به وجود آمد؟ آیا گروه واکنز از حمایت‌های خارجی برخوردار بود؟ شورش واکنز چه تأثیری روی مخالفان داخلی پوتین خواهد داشت؟ «آرمان ملی» برای بررسی و تحلیل این موضوع با دکتر محسن جلیلودن، تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده است. جلیلودن در این زمینه معتقد است: «گروه واکنز اصلی‌ترین گروه نظامی حاضر در جنگ اوکراین بودند و ارتش روسیه بیشتر از طریق هوایی و پهپاد در جنگ مشارکت داشت. پوتین

این است که روسیه را در نهایت ضعف نگه دارند. شورش واکنز و پیامدهایی که برای روسیه خواهد داشت این فرصت را بیشتر در اختیار کشورهای غربی قرار داده که روسیه را بیشتر از گذشته تحت فشار قرار بدهند. آن چیزی که برای کشورهای غربی و به خصوص آمریکا حائز اهمیت است این است که روسیه برای زمان بیشتری در موضع ضعف قرار داشته باشد و ضعیف‌تر شود.

این اتفاق به چه میزان می‌تواند روی مخالفان داخلی پوتین تأثیر بگذارد و به آنها جرأت بیشتری برای مقابله با پوتین بدهد؟

واقعیت این است که مخالفان داخلی پوتین جرأت بیشتری پیدا می‌کنند، اما کاری نمی‌توانند انجام بدهند. باید بین این دو موضوع تفاوت قائل شد. اینکه مخالفان پوتین جرأت بیشتری پیدا کنند یک موضوع است و اینکه آیا می‌توانند کاری از پیش ببرند یا خیر موضوع دیگری است. سیستمی که پوتین در روسیه به وجود آورده به شکلی است که اجازه مخالفت‌های داخلی را به مخالفان نمی‌دهد و آنها را سرکوب خواهد کرد. مخالفان داخلی نیز تا حدود زیادی این وضعیت را درک می‌کنند. تنها در شرایطی که پوتین از دنیا برود و یا دچار بیماری سختی شود که قادر به اداره کشور نباشد الیگارش‌های اطرافش تصمیم خواهند گرفت که به چه سمتی حرکت کنند و چه تغییراتی در این کشور به وجود بیاورند. اینکه ما تصور کنیم پس از شورش واکنز علیه پوتین مخالفان داخلی جرأت بیشتری پیدا می‌کنند و شاهد اتفاقات جدیدی در روسیه خواهیم بود واقع بینانه نیست و چنین اتفاقی رخ نخواهد داد. این در حالی است که پوتین مخالف داخلی جدی نیز ندارد که بتواند در سطح گسترده دولت و ارتش فشار قرار بدهد.

گروه واکنز به چه میزان از حمایت حامیان خارجی برخوردار بود؟ آیا بر نیکوژین با حمایت‌های خارجی تصمیم گرفت علیه پوتین شورش کند؟

به نظر نمی‌رسد گروه واکنز در ماجرای اخیر از حمایت‌های خارجی برخوردار بوده است. وضعیت این گروه به صورتی است که کمتر کشوری حاضر می‌شود هزینه حمایت از چنین گروهی را بپذیرد. این گروه به اندازه‌های غیرقابل پیش‌بینی و نامتعادل است که علیه پوتین به عنوان کسی که آنها را استخدام کرده شورش می‌کنند. در چنین شرایطی کمتر کشوری حاضر به حمایت از چنین گروهی خواهد بود و به همین دلیل من فکر نمی‌کنم چنین اتفاقی رخ داده باشد. البته این احتمال وجود دارد که از برخی کشورها حمایت‌هایی شده باشند اما این حمایت‌ها زیاد نبوده است. البته این اتفاق می‌تواند بهانه خوبی برای فشار بیشتر به روسیه باشد. در همین روزها اوکراین چند روستا را از دست روسیه آزاد کرد که روس‌ها در سال ۲۰۱۴ اشغال کرده بودند. این موضوع نشان می‌دهد که پیامدهای این اتفاق در آینده خود را نشان خواهد داد. البته این احتمال وجود دارد که باقی مانده گروه واکنز در آینده در ارتش روسیه ادغام شود. با این وجود شرایط به شکلی رقم خورده است که اعتماد بین این گروه و دولت روسیه مخدوش شده است.

نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که رهبران سیاسی جهان باید در شرایط کنونی با احتیاط بیشتری تصمیم‌گیری کنند. شرایط به شکلی است که اردوغان به پوتین گفت در این زمینه باید با عقل سلیم برخورد کرد. به همین دلیل باید در شرایط موجود با احتیاط بیشتری عمل کرد. این در حالی است که روسیه یک قدرت بزرگ است و نباید در برنامه‌ریزی‌های خود با چنین چالش‌هایی مواجه شود. به نظر می‌رسد پوتین به اندازه‌ای درگیر جنگ اوکراین شد و موضوع ناتو شد که در نهایت با چنین چالشی مواجه شد.

واقعیت این است که این اتفاق به اندازه‌ای جدی نبود که برخی عنوان می‌کنند این شورش می‌توانست حکومت پوتین را سرنگون کند. من چنین باوری ندارم و معتقدم این اتفاق در حدی نبود که بتواند فردی مانند پوتین را سرنگون کند. با این وجود شورش واکنز چند پیامد مهم برای روسیه به همراه خواهد داشت. نخست اینکه شورش واکنز به خوبی نشان داد که ساختار قدرتی که پوتین برای خود به وجود آورده شکننده است و با آنچه پوتین و اطرافیان دربارہ آن می‌گویند متفاوت است. در روسیه در دوران استالین رویکردی در پیش گرفته شد که حزب کمونیست نسبت به نیروی نظامی و ارتش نظارت کامل داشت. با این وجود پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و زمانی که پوتین به قدرت رسید وی به این نتیجه رسید که از اقتدار کامل نسبت به نیروهای نظامی برخوردار نیست. به همین دلیل نیز دستگاه‌های نظامی و امنیتی موازی ایجاد کرد. به عنوان مثال سیستم امنیت ملی را اصلاح کرد و یا در سال ۲۰۱۷ گارد ملی را ایجاد کرد. پوتین چند دستگاه دیگر امنیتی را نیز به وجود آورد که بتواند اهداف خود را پیش ببرد. هنگامی که موضوع جنگ کریمه و اوکراین مطرح شد نیز با اقتباس از گروه بلک‌واتر آمریکا اقدام به تشکیل گروه واکنز کرد. آمریکا در جنگ افغانستان و عراق از شرکت‌های خصوصی امنیتی و نظامی استفاده کرد که معروف‌ترین آنها بلک واتر بود. پوتین نیز در جنگ اوکراین تلاش کرد از چنین گروه‌هایی استفاده کند که مهم‌ترین آنها واکنز بود. گروه‌هایی مانند واکنز نیز ارتشی و نظامی نیستند که دارای قواعد و انضباط نظامی باشند، بلکه بیشتر افرادی شروری هستند که در چنین گروه‌هایی فعالیت می‌کنند. در جریان شورش که رخ داد پوتین به این نتیجه رسید که این گروه‌ها آن‌گونه که وی فکر می‌کرده نمی‌توانند برای او کار کنند. نکته دیگر اینکه اقتداری که پوتین داشت و این باور بود که در حال بازتولید استالینیسم در روسیه است این اتفاق مخدوش شد.

شورش واکنز در روسیه بازتاب جهانی پیدا کرد و سوالات و ابهامات زیادی درباره آینده روسیه به وجود آورده است. مهم‌ترین پیامدهای این اتفاق برای روسیه چیست؟

واقعیت این است که این اتفاق به اندازه‌ای جدی نبود که برخی عنوان می‌کنند این شورش می‌توانست حکومت پوتین را سرنگون کند. من چنین باوری ندارم و معتقدم این اتفاق در حدی نبود که بتواند فردی مانند پوتین را سرنگون کند. با این وجود شورش واکنز چند پیامد مهم برای روسیه به همراه خواهد داشت. نخست اینکه شورش واکنز به خوبی نشان داد که ساختار قدرتی که پوتین برای خود به وجود آورده شکننده است و با آنچه پوتین و اطرافیان دربارہ آن می‌گویند متفاوت است. در روسیه در دوران استالین رویکردی در پیش گرفته شد که حزب کمونیست نسبت به نیروی نظامی و ارتش نظارت کامل داشت. با این وجود پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و زمانی که پوتین به قدرت رسید وی به این نتیجه رسید که از اقتدار کامل نسبت به نیروهای نظامی برخوردار نیست. به همین دلیل نیز دستگاه‌های نظامی و امنیتی موازی ایجاد کرد. به عنوان مثال سیستم امنیت ملی را اصلاح کرد و یا در سال ۲۰۱۷ گارد ملی را ایجاد کرد. پوتین چند دستگاه دیگر امنیتی را نیز به وجود آورد که بتواند اهداف خود را پیش ببرد. هنگامی که موضوع جنگ کریمه و اوکراین مطرح شد نیز با اقتباس از گروه بلک‌واتر آمریکا اقدام به تشکیل گروه واکنز کرد. آمریکا در جنگ افغانستان و عراق از شرکت‌های خصوصی امنیتی و نظامی استفاده کرد که معروف‌ترین آنها بلک واتر بود. پوتین نیز در جنگ اوکراین تلاش کرد از چنین گروه‌هایی استفاده کند که مهم‌ترین آنها واکنز بود. گروه‌هایی مانند واکنز نیز ارتشی و نظامی نیستند که دارای قواعد و انضباط نظامی باشند، بلکه بیشتر افرادی شروری هستند که در چنین گروه‌هایی فعالیت می‌کنند. در جریان شورش که رخ داد پوتین به این نتیجه رسید که این گروه‌ها آن‌گونه که وی فکر می‌کرده نمی‌توانند برای او کار کنند. نکته دیگر اینکه اقتداری که پوتین داشت و این باور بود که در حال بازتولید استالینیسم در روسیه است این اتفاق مخدوش شد.

اقتدار پوتین در چه زمینه‌های مخدوش شد؟

امروز انتقاداتی که به پوتین وارد این است که چرا به عنوان یک فرد امنیتی و اطلاعاتی پیش‌بینی‌های لازم را درباره گروهی مانند واکنز انجام نداده است. این در حالی است که فاصله‌گیری گروه واکنز از دولت روسیه از سه یا چهار ماه قبل آغاز شده بود و گروه واکنز در این مدت دائماً نسبت به رویکردی که وزارت دفاع و ستاد مشترک ارتش در جنگ اوکراین در پیش گرفته‌اند انتقاد داشت و انتقادات خود را نیز مطرح می‌کرد. به همین دلیل این انتقاد به دولت پوتین وارد است که چرا در چنین شرایطی دستگاه‌های امنیتی و نظارتی موفق نشده‌اند تحرکات این گروه را در زیر نظر بگیرند که چه اهدافی را دنبال می‌کنند و قصد انجام چه کارهایی را دارند. نکته دیگری که در این زمینه وجود دارد این است که در زمان جنگ که همه باید متحد باشند و از یک روش پیروی کنند این وضعیت درباره دولت پوتین رخ نداد و وی نتوانست به خوبی جنگ را مدیریت کند. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد تأثیری است که شورش واکنز روی جنگ اوکراین خواهد داشت که در هفته‌های آینده مشخص خواهد شد.

این اتفاق چه تأثیری روی جنگ اوکراین خواهد داشت؟

گروه واکنز اصلی‌ترین گروه نظامی حاضر در جنگ اوکراین بودند و ارتش روسیه بیشتر از طریق هوایی و پهپاد